

افسانه شهر و ثروت‌های طبیعی



د. یازده غلامرضا پاشیان حضرت

غلامرضا پاشیان حضرت، متولد ۱۳۲۳ در مشهد، در سال ۱۳۵۱ با درجه کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد، وی تاکنون به فعالیت حرفه‌ای در زمینه معماری و شهرسازی و تدریس در دانشگاه‌های مختلف اشتغال داشته است. کارهای حرفه‌ای مهم وی بیشتر در زمینه طراحی باغ‌های عمومی (پارک)، معماری منظر شهری و طراحی شهری - محیطی بوده است. از

جمله کارهایی که با مدیریت وی به انجام رسیده است، می‌توان به طراحی «باغ فردوس تهران» و «مجمع تفریحی کوه سنگی مشهد» اشاره کرد که با هدف ایجاد ارتباط بیشتر بین انسان و شهر و طبیعت طراحی شده است.

اگر هدف مدیریت شهری و طراحی شهری را ارتقای کیفیت فضاهای شهری بدانیم، برای موفقیت در این طرح‌ها دو موضوع تیز می‌بایست - به‌ویژه در شرایط کشور ما - مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه در طرح‌ها هم‌زمان با توجه به ارتقای کیفیت، تقلیل هزینه اجزای و نگهداری دراز مدت طرح‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در زمان حاضر و همچنین در آینده یکی از مهم‌ترین مشکلات شهرداری‌های کشور تامین هزینه نگهداری این گونه فضاهای شهری است.

دوم اینکه چه در شهرها و چه در محدوده‌هایی که دسترسی از طبیعت در درون یا مجاور آنها به شکلی مؤثر بر شهر وجود دارد، برای رعایت و حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های طبیعی از یک طرف و پاسخگویی به نیازهای شهری از طرف دیگر، می‌بایست طرح‌ها یا تفهیم دانش طراحی شهری و طراحی محیطی مورد مطالعه و طراحی قرار گیرند.

منظور من از طراحی شهری - محیطی دیدگاهی است که خود به گونه‌ای وسیع‌تر از آن با عنوان رابطه «انسان، شهر و طبیعت» نام می‌برم. در این دیدگاه برای حفظ و ارتقای کیفیت طبیعت، دانش طراحی محیطی به کار می‌آید؛ و برای پاسخگویی به نیازهای شهر و انسان شهرنشین، دانش طراحی شهری کمک می‌کند. این دیدگاه به اصلی‌ترین و عملی‌ترین اهداف توسعه پایدار توجه می‌کند و به کلام ساده‌تر، می‌کوشد تا بین انسان و طبیعت رفاقت برقرار سازد.

پیش از هر چیز خوب است ابتدا به معرفی جلوه‌های مختلف ارزش‌های محیطی و طبیعی که پیش‌تر اشاره کردید بپردازیم. سپس در گام بعد روندهای تهدید کننده‌ای را که در سال‌های اخیر تشدید شده‌اند مورد توجه قرار دهیم؛ و در نهایت نیز شیوه‌های برخورد را که به نوعی در پی پاسخگویی

□ در ابتدای گفت و گو، می‌خواهم نظر شما را در مورد رابطه انسان و شهر با طبیعت و ضرورت توجه به آن جویا شوم؟

○ در دو دهه گذشته به علل مختلف از جمله وقوع انقلاب، جنگ تحمیلی، مهاجرت‌های گسترده داخلی و حضور مهاجران خارجی، تغییرات شدید جمعیتی و در نتیجه توسعه بسیار سریع شهرها، تخریب عناصر و ارزش‌های طبیعی - زیست محیطی، که میراث‌های طبیعی شهرها هستند، به صورت روندی رو به گسترش خودنمایی کرده است. اگر دوباره توقف این روند چاره‌اندیشی نشود، بیم آن می‌رود که نسل ما نتواند وظیفه خود را در پاسداری از میراث طبیعی ملی به خوبی به انجام برساند و آن را با افتخار به نسل بعد تحویل دهد.

هدف از این سخن ارائه نتایج تجربیاتی است که در بیش از دو دهه در طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در شهرهای کشور به دست آمده است. همچنین توضیح بیشتر آن جنبه‌هایی است که می‌تواند مورد استفاده همه شهرداری‌ها قرار بگیرد. به بیان دیگر، هدف نهایی همانا توجه دادن شهرداری‌های کشور به میراث و ثروت طبیعی شهر و ارزش‌های آن و نیز آگاهی بخشی در زمینه لزوم حفظ و نگهداری و ارتقای آن برای نسل‌های آینده است. شاید بهتر باشد این گفت و گو به سمت «رابطه قیفانه انسان و شهر با طبیعت» هدایت شود.

□ شهرداری‌های کشور تا چه حد به ضرورت حفظ این ثروت‌های طبیعی توجه دارند و از چه ابزار یا ابزارهایی برای دستیابی به آن استفاده می‌کنند؟

○ در چند سال اخیر شهرداری‌های شهرهای بزرگ طراحی شهری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. طرح‌هایی که در این زمینه انجام خواهد شد، می‌تواند تأثیر مثبتی بر شهرها بگذارد.

محیط طبیعی و میراث‌های آن در شهرها و مناطق هم‌جوار آنها از جمله ثروت‌های طبیعی شهر محسوب می‌شوند که اگر هوشمندانه طراحی شوند، نقشی تعیین کننده در ارتقای کیفیت محیط شهری خواهند داشت. این محیط‌های طبیعی، محلی برای آرامش یافتن انسان گریزان از شهر و رسیدن به زندگی مدرن در دامان طبیعت‌اند. غلبه نگرش مدرن و اقتصاد محور در توسعه تاکنون در کشور ما خسارات و آسیب‌های فراوانی به این ثروت‌های طبیعی وارد کرده است. طرح‌های توسعه شهری، یا از این توان‌های طبیعی غافل بوده‌اند و یا سیاست‌های اتخاذ شده در آنها تسریع کننده تخریب این منابع گشت‌اند. گفت و گوی حاضر در باره شناخت ارزش‌ها و ثروت‌های طبیعی شهرها، روند تهدیدات و نیز راهبردهای فراروی مدیریت شهری است.

و ارائه راه‌حلهایی برای حفظ و ارتقای ارزش‌های موجود است طرح کنیم، نظر شما در این باره چیست؟

ن. پیشنهاد منطقی است. مخاطب ماهنامه «شهرداریها»، بیشتر کارشناسان مسائل شهری در شهرداری‌های شهرهای مختلف کشور و شهروندان متخصص هستند که هر یک در شهر خود با مسائلی که منظور این بحث است درگیرند. با گردش در شهرهای ایران، مضامین و نمونه‌های جالب و با ارزشی را می‌توان یافت که به رغم ارزش آنها، ممکن است مورد توجه خود مردم آن شهر هم قرار نگرفته باشند. در این گفت و گو، می‌کوشم این ارزش‌ها یا میراث طبیعی شهرها را دسته‌بندی کنم و نام ببرم و توضیح مختصری نیز درباره آنها بدهم.

از جمله مواردی که می‌توان به عنوان گنج‌ها یا میراث طبیعی شهرهای کشور نام برد، و لازم است به تقسیم رابطه متعادل بین آنها و شهر پرداخت. عبارتند از: «چشمه»، «رودخانه»، «رود»، «دره»، «دره‌های تاریخی»، «دره‌های همجوار»، «اراضی پاکبوی»، «پدیده‌های طبیعی»، «دریا» و «دریاچه». عناصری که نام بردم تقریباً همگی در ترکیب‌های متنوع و متناسب با شهرهای کشور ما وجود دارند. برای روشن شدن موضوع به‌طور خلاصه به هر یک از آنها اشاره خواهیم کرد.

شهر و چشمه

شهر خرم‌آباد و برخی دیگر از شهرهای غرب یا مرکز کشور، «شهر چشمه سارها» هستند. بعضی از این چشمه‌های داخل شهر با قدمتی چند هزار ساله به قدری زیبا و پر آب هستند که انسان تا زمانی که آنها را مشاهده و مطالعه نکند متوجه ارزش‌هایشان نمی‌شود.

مناسفانه این مظاهر طبیعی را به عنوان آب سطحی یا حتی فاضلاب تلقی می‌کنند و آنها را پنهان می‌سازند و از طریق کانال‌هایی به رودخانه دفع می‌کنند. این در حالی است که مجموعه این چشمه‌ها در شهری مثل خرم‌آباد به قدری توانایی دارد که می‌تواند ساختار آن شهر را تعریف کند. مردم ایران خرم‌آباد را با قلعه فلک‌الافلاک می‌شناسند؛ ولی چشمه‌های موجود در این شهر نیز می‌توانند بخشی از هویت و جاذبه آن باشند. جالب این است که از زیر قلعه فلک‌الافلاک نیز چشمه‌ای بسیار پر آب خارج می‌شود. در حالی که چشمه و خیاابان‌های پر آب و سبزی می‌تواند معرف خرم‌آباد باشد، در طرح‌های جامع و تفصیلی و یا در طرح‌های اجرایی که اکنون در دست اجراست به این عنصر مهم طبیعی توجه بایست‌ای نشده است.



چشمه تاریخی گرداب سنگی - خرم‌آباد در محاصره باندن شهر

شهر و رودخانه

اصفهان، خرم‌آباد و اردبیل از جمله شهرهایی هستند که از میان آنها رودخانه عبور می‌کند. طبیعی است که این رودخانه‌ها دینی‌های متفاوتی دارند اما رودخانه به عنوان عنصر طبیعی قوی در واقع میراث طبیعی شهر است. شهرداری اصفهان بر خورد خردمندانه‌ای با اراضی کنار رودخانه کرد. مردم شهر نیز با علاقه‌مندی در این کار مشارکت جستند و زمین‌هایشان را واگذار کردند. سازمانی نیز برای این کار تشکیل شد و شهرداری اصفهان با تمام نیرو آن را به انجام رساند. اکنون به نظر می‌رسد این طبیعت‌مواج و زنده در درون شهر یکی از عناصری است که به شهر اصفهان هویت جدیدی داده و به شهروندان آرامش بخشیده است. این در حالی است که در برخی از شهرهای کشور بدون توجه به امکانات رودخانه، با دیوارسازی سنگی یا بتنی آن را از مردم شهر جدا کرده‌اند، که این نه تنها از نظر زیبایی و ارزش‌های منظر شهری مناسب نیست بلکه حتی تخریب این ارزش‌هاست.



ساحل رود زاینده در میهنگاه انسان، شهر یا طبیعت

شهر و رود - دره

رود - دره‌های شهری عبارتند از خط القعوی که در فصولی از سال همچون رودخانه عمل می‌کنند ولی در فصولی دیگر از سال به علت آنکه آب آنها در طول مسیر به مصرف می‌رسد یا دمای هوا افزایش می‌یابد، کمیت و کیفیت آب کنترل می‌کند. این رود - دره‌ها از عناصر مهم پیوند دهنده شهر و انسان با طبیعت هستند و سرشار از زیبایی، آرامش، نسیم، زیبایی فصول، حضور پرندگان، آبشار، جویبار و مناظر طبیعی، فضای سبز غنی، درختان کهنسال و موارد بسیار دیگر و نیز مظهر حضور طبیعتی سرزنده در داخل یافت شهر. مناسفانه بسیاری از رود - دره‌های شهرها بدون توجه به این همه ارزش طبیعی مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و در شرف نابودی‌اند. برای مثال، در تهران گلاب‌دره مورد بی‌مهری قرار گرفته است و در که و قز حرا تبدیل به کانال‌هایی فاضلاب شده‌اند. این برخورد غیراصولی حتی به شهرهای کوچکی مثل قمصر کاشان نیز که محل گلاب‌گیری است و همه آن محیط زیبای باغ و گلستان است، تسری پیدا کرده است.

نمونه‌های فراوان دیگری در شهرهای دیگر کشور چون مشهد (کال چهل بازه) وجود دارد. مدیریت شهری باید تلاش کند

تا این روند را تغییر دهد و این مظاهر طبیعی را به عنوان عناصر و سرمایه های طبیعی شهر به آن بازگرداند.

اکنون برای آن دره در دست تهیه است، درین ارتقای ارزش عناصر مذکور هستیم و امیدواریم همه کمک کنند تا از تخریب این دره و دره های مشابه، یا توسعه شهری یا نصب تجهیزات مکانیکی (نظیر تله کابین)، جلوگیری شود تا ارزش های نهفته در آنها شکوفا گردد و در اختیار مردم قرار گیرد.



بالاست و پایین دست رود - دره قلی دار تهران



ترکیب تاریخی، طبیعت و هویت ملی در دره گنجشک همدان

شهر و دره های سبز همجوار

از موارد دیگری که باید بر اهمیت آنها تاکید شود، رابطه شهر و دره های سبز و طبیعت همجوار آن است. به عنوان نمونه در خوار مشهد، تعدادی از دره های بینالود - از جمله شاندیز، طرغبه، کنگ، سایان - واقع اند. اگر این دره ها با دقت و وسواس لازم مورد حفاظت و بهره برداری قرار گیرند، از بهترین امکانات مردم شهر مشهد و میلیون ها گردشگر این شهر برای ارفاق با طبیعت و گذران اوقات فراغت به شمار می آیند.

یکی از شهرهایی که یارود - دره های آن برخورد درستی شده، شهر ارومیه است. تقریباً با همان امکانات محدودی که در اختیارشان بوده است، یذنه های رود - دره را تبدیل به پارک عمومی کرده اند که فعالیتی درخور ستایش است. از همین نمونه، دره های دیگر همجوار شهر همدان است. همدان غیر از دره



شهر و دره های تاریخی

یکی از نمونه های این گونه شهرها که دارای دره تاریخی است همدان است، با دره گنجشک که در آن چند عنصر بسیار مهم با هم تلفیق شده اند. این میراثی طبیعی است که دره ای با سنگ گرانیت، و در داخل آن باغ های بسیار زیبا وجود دارد، همراه کوه و دره گرانیتی و آبشار طبیعی که در نزدیکی شهر واقع است، گنجشک فرار گرفته که دارای دو کتیبه هخامنشی است و ارزش های ملی و بین المللی دارد. اهمیت ملی آن به این خاطر است که اگر در مفاهیم آن نوشته ها دقت شود، به عنوان نمونه اخلاق کریمانه و انسانی مردم و شهروان ایران می تواند به جهان معرفی گردد. از جنبه بین المللی هم مهم است زیرا آثار خیلی کمی وجود دارد که به این صورت و با آن قدمت (۲۵۰۰ سال) در کنار شهری به میراث مانده باشد. آن سنگ نوشته ها، با تاریخ و یادگار عناصر داخل شهر همدان می توانند مجموعه ای را به وجود آورند که به این شهر اعتبار بیشتری در مقیاس بین المللی بدهد. در طرحی که هم



قسمتی از رود زاینده شاندیز در همدان و شهر شمشاد

می سازند.

شهر و پدیده های طبیعی

نمونه دیگر، پدیده های طبیعی داخل یا مجاور شهر است. کوهسنگی در مشهد و تپه های کبوتر در خرم آباد از جمله این موارد است.

کوهسنگی اکنون تقریباً در درون بافت شهر قرار گرفته است. این کوه گرانیتی می تواند یکی از بهترین گردشگاه های مردم شهر باشد. در اینجا رابطه انسان و طبیعت به سرعت دست یافتنی است و به راحتی می توان به آن دسترسی پیدا کرد. مناسبانه به دلیل عدم درک درست از این میراث طبیعی، بیشتر اراضی پیرامون آن به وسیله سازمان زمین شهری تفکیک و میان مردم تقسیم شده است و کیفیت ساخت و ساز بسیار بدی نیز دارد. علاوه بر آن، تعدادی از سازمان ها و ادارات دولتی آنجا را تصرف و به انبار و کارخانه تبدیل کرده اند. در حالی که این نقطه یکی از پدیده های بی نظیر طبیعی برای مردم شهر مشهد و تمام ایرانیانی است که به مشهد مسافرت می کنند.

خوشبختانه اکنون شهرداری مشهد، به رغم تمام مشکلات موجود و عدم همکاری سازمان های متصرف زمین، تلاش می کند تا این پدیده طبیعی را به صورت پارک شهری دوباره به شهر مشهد برگرداند - که جای تقدیر بسیار دارد. نمونه دیگر تپه های کبوتر در شهر خرم آباد است. اگر تپه های کبوتر و دریاچه و اراضی پیرامون آن طبق طرح تهیه شده کار شود و کارایی و عملکرد آن در تعامل با شهر به درستی تعریف شود، آن تپه می تواند همچون تپه قلعه قلک لافلاک به یکی از شاخصه های خرم آباد بدل گردد. در برخی از شهر ها، این پدیده های طبیعی در کنار شهر قرار گرفته اند - مانند اصفهان و کوه صفه. شهرداری اصفهان تلاش می کند که این کوه را دوباره به شهر بازگرداند. کوه صفه و پیرامون آن منطقه ای بسیار وسیع است که بخش اعظم آن به میدان نیز تفنگ و نانک تبدیل شده است. این اراضی و کوه اگر طبق روالی که ما در طرح شهری - محیطی کوه صفه مشخص کردیم مورد طراحی قرار گیرد، می تواند پاسخگوی اوقات فراغت باشد، آن هم نه تنها در مقیاس شهری بلکه در مقیاس ملی نیز. و گر نه اگر بی دقتی شود زیر توسعه و ساخت و ساز و کاربری نظامی و ساخت تاسیسات پراکنده خواهد رفت و ارزش های آن پایمال خواهد شد.

کنجنامه، دره های دیگری نیز همچون مرادیگ و امامزاده کوه حیدر دارد. قبل از آنکه این منابع به نابودی کشیده شوند و یا مثل دره های البرز در جوار تهران زیرساخت و سازه های سنگین بروند، باید ساخت و ساز و دخل و تصرف در آنها ضابطه مند گردد. اگر هم قرار است توسعه ای در آنها اتفاق بیفتد، می بایست طبق روال و برنامه منطقی قبلی مبتنی بر محدودیت های زیست محیطی انجام گیرد.

شهر و اراضی پایکوهی

بیشتر شهرهای کشور ما در مجاورت اراضی پایکوهی قرار گرفته اند و از آن جمله اند تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و همدان. در این گونه شهر ها سطوح شیب دار ارتفاعاتی که به شهر اشراف دارند در دو دهه اخیر بسیار مورد توجه سرمایه داران شهری قرار گرفته اند. نمونه آن شمیران در شمال تهران است که اکنون زیر پوشش ساخت و ساز رفته است. اراضی پایکوهی به دلیل ارزش های آب و هوایی، تنوع منظر، فضای سبز، اشراف به شهر و نظایر اینها جذابیت های بسیاری برای توسعه شهری دارند. حال اگر درست دقت شود، اینها به عنوان میراث های طبیعی شهری می توانند گردشگاه های عمومی مردم شهر شوند؛ چون این گونه اراضی در واقع ارتباط پلا فصل طبیعت و شهرند. مناسبانه فرایند



مجاور شهر به اراضی پایکوهی در تهران

تخریب در تهران تحت فشار سرمایه، آن قدر سریع اتفاق افتاد که اراضی پایکوهی تهران تقریباً نابود شدند. نوار شمالی تهران تا جایی که می شد زیر پوشش ساخت و ساز رفته است و این باید درس عبرتی برای سایر شهرهای کشور باشد. ولی در شهرهایی مثل مشهد که اراضی پایکوهی در معرض تهدید و در آستانه یورش قرار دارند، شهرداری تلاش می کند که این اراضی را به مثابه کمربند سبز برای شهر حفظ کند. تعدادی از شهرهای دیگر نیز مانند شیراز و تبریز این تلاش را گامی بیش انجام داده اند.

در اراضی پایکوهی، امکان ایجاد مراکز تفریح و تفریح و گذران اوقات فراغت و کاربری عمومی در مقیاس شهر، و همچنین دیدار از شهر از فراز آن وجود دارد. به همین دلیل در بیشتر شهرهای دنیا این گونه اراضی را برای ایجاد ارتباط شهر و طبیعت و درک شهر از ارتفاع برای شهروندان حفظ می کنند و با ایجاد باغ های عمومی مردم را با شهر خودشان بیشتر آشنا و به آن دلبسته



شهر و دریاچه

در بعضی از شهرهای کشور ما دریاچه وجود دارد که می‌تواند یکی از زیبایی‌ها و شاخصه‌های هویت آن شهر باشد. نمونه آن، شهر اردبیل است که دریاچه جالب شورابیل را در کنار بافت خود دارد؛ و یا شهر مریوان که دریاچه بسیار زیبای زریوار در کنار آن قرار گرفته است. در اینجا نیز تعریف رابطه این شهرها با آن عنصر طبیعی یعنی دریاچه مسئله اصلی است که اگر به آن درست توجه شود، می‌توان در دهه‌های آینده شهرهایی بسیار زیبا یا توانایی‌ها و کیفیت بسیار بالا در کنار دریاچه‌های طبیعی داشت.



کوه صند یا قلعه نعلی شبی آن، مشرف به شهر اسفهان

شهر و دریا

تعدادی از شهرهای کشور ما در کنار دریا قرار گرفته‌اند؛ ولی جالب اینجاست که بعضی از آنها گویی با دریا قهر بوده و پشت به دریا کرده‌اند. نمونه آن جزیره کیش است. ساخت و سازهای گذشته جزیره کیش پشت به دریا است؛ به طوری که بدون جست و جو نمی‌توان دریا را پیدا کرد. نمونه دیگر سواحل شمالی کشور است که برای گذران اوقات فراغت و گردش مردم به هیچ عنوان مجهز و آماده نیست.

این ظلم بزرگی به مردم شهر و طبیعت است که حاصل همجواری شهر و دریا، صدور مواد زائد و فاضلاب شهر به دریا باشد و رابطه‌ای متعادل و رفیقانه بین این دو برقرار نگردد.

چنین تعامل و رابطه‌ای تقریباً در بسیاری از شهرهای شمالی کشور از دست رفته است. ساحل دریا نیز همچون اراضی بایکوهی است و متعلق به همه مردم است. در حد فاصل شهر و دریا فضای عمومی بسیار گسترده‌ای باید وجود داشته باشد که رابطه انسان و شهر با طبیعت را سامان بخشد و تعریف کند، جایی خوشگفتی است که مدیریت کیش طبق طرحی به این امر مهم دست زده است.

نمای دریا از ساحل کیش و سواحل و سازه‌های پیرامون آن

□ بخشی از عوامل غفلت از این میراث و ارزش‌ها ممکن است مربوط به ندانم کاری‌ها یا پایین بودن سطح دانش فنی باشد، و بخشی دیگر مربوط به جذابیت‌های توحی برای بخش صنعت یا استکان غیررسمی. نظر شما در این باره چیست؟

○ عوامل مؤثر در این زمینه بسیار متنوع اند برخی اختصاص به شرایط خاص محلی دارد و برخی هم عوامل عمومی است. مثلاً در مورد اراضی بایکوهی، می‌توان به اینها اشاره کرد: غفلت قوانین، فشار جمعیت‌های مهاجر، بی‌توجهی ادارات منابع طبیعی و شهرداری‌ها، وضعیت‌های اضطراری نظیر جنگ و از همه مهم‌تر عدم شناخت نسبت به ارزش آن اراضی برای شهر و نقایز اینها. اما عوامل تشدیدکننده‌ای همچون تامین خدمات زیربنایی و به خصوص جاده، قبل از اینکه برنامه و طرح مشخصی وجود داشته باشد، نیز در این میان مؤثرند. در برخی از گنجینه‌ها و میراث‌های طبیعی شهری نظیر رود - دره‌ها، بیشترین علت تخریب همانا عدم شناخت ارزش‌های آنها برای شهر و تلفی غلط کارشناسان از نقش رود - دره‌هاست. مثلاً در مورد رود - دره فرح‌زاد تهران، که ما برای آن طرح تهیه کردیم، شاید کسی تاکنون این دره یا دره‌های دیگر تهران را با این دیدگاه که آنها ارزشی بزرگ



برای تهران به شمار می آیند. مورد توجه قرار نداده است. بیشتر اوقات کارشناسان عمران شهرداری از آنها با عنوان مسیل نام می برند؛ و مسیل جایی است که در آن سیل جاری می شود - پس خطرناک است. با توجه به این نظریه، مسیل هر قدر بیشتر مهار بشود بهتر است. مهار کردن هم یعنی ساخت هر چه سریع تر یک کانال بتنی. اگر به آن به عنوان مسیل نگاه شود، زمانی هم که ساختمانی خاک پرذاری می گردد، مسیل را جایی می بندارند که برای ریختن خاک و زباله مناسب است؛ و نتیجه هر دو دیدگاه فاجعه بار است. به این ترفیب نمی توان گفت که یک عامل به تنهایی غالب است، عدم شناخت، دیدگاه غلط، قوانین نامناسب، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ندانم کاری، فقدان برنامه در سطوح بالاتر و نظایر اینها، همه در این میان تاثیر گذارند.

□ فارغ از اینکه این ورزش های طبیعی چشمه است یا کوه یا دره، آیا جناب عالی به طور کلی به اصولی عمومی در برخورد با این منابع طبیعی رسیده اید؟ به نظر شما نوع برخورد حفاظتی با این منابع - همانند آنچه زمانی در مورد میراث های فرهنگی اعمال می شد - صحیح است؟

○ میراث طبیعی، بر خلاف میراث فرهنگی، در برخی از زمینه ها توان خودترمیمی دارد. طبیعت ممکن است در دوره ای طولانی توان خودترمیمی داشته باشد ولی توسعه و فشار جمعیتی که اکنون وجود دارد، و نیز حساس و شکننده بودن این ورزش های طبیعی در شهرهای کشور ما، شیوه برخورد بسیار احتیاط آمیز و متناسب با محیط زیست را بیش از پیش می طلبد.

حتی اگر مقید به مفاهیم دینی هستیم نیز باید این ورزش ها را به عنوان نشانه هایی از خالق هستی، مقدس بدانیم؛ و اگر شهروندی مسئول هستیم، باید آن را بخشی از سرمایه نسل های گذشته بدانیم که موظفیم آن را با کیفیت بهتر به نسل بعد تحویل دهیم. آیا تاکنون فکر کرده اید که چرا به درختی قدیمی نذر می کنند؟ دلیل آن این است که فکر می کنند این موجود طبیعی که توانسته است چند صد سال مقاومت کند، حتما به چیزی فراتر از انسان مرتبط است.

متأسفانه در شهر طبقه مشهد ریشه های درخت ۸۰۰ ساله ای را تخریب کردند که یک مستراح عمومی مسازند! تمام پدیده های طبیعت را می بایست همچون عنصری مقدس انگاشت. اگر رابطه انسان و شهر با طبیعت و عناصر طبیعی متعادل باشد، من آن را اصل رفاهیت یا طبیعت نام می گذارم. با چنین تعریفی برای بسیاری از مسائل کنونی راه حل مناسب خواهیم یافت. فردی که با کسی رفیق می شود به فکر قتل او نمی افتد و به او زور نمی گوید. دو رفیق دارای حقوق مساوی اند و به هم کمک می کنند. اگر این نوع برخورد را عام بدانیم و به فرزندان خود بیاموزیم که باید با طبیعت رفیق باشند، و خود نیز این را یاد بگیریم، آن وقت در کودکی شاخه های درخت را

نمی شکنیم. بزرگتر هم که شدیم، در مقام مدیر موسسه ای اقتصادی یا معاون فنی یا شهردار یا فرماندار و نظایر اینها، دستور تخریب دره یا جنگل را نمی دهیم.

□ روندهای اصلی تهدید کننده و تخریب گر این منابع را در چه زمینه هایی می بینید؟

○ به طور خاص افزایش جمعیت و بهره برداری غیرعادی از طبیعت، و به بیان دیگر تغییر روند استفاده از آن، تهدید اصلی است. حقیقت این است که ما در اتناقی هستیم یا مقدار محدودی از اکسیژن، هر چه زودتر آن را از بین ببریم و آن را ترمیم نکنیم، خود نیز زودتر از بین خواهیم رفت. این گونه برخورد مثل مصرف زیادتر از حد مواد شیمیایی است که سلطان زاست. ما باید به مردم و مسئولان همه جای کشور خودمان از طریق نشریاتی همچون «شهرداریها» بگوییم که این منابع و مواهب طبیعی برای ادامه حیات سالم انسان های شهر ارزش دارند.

رودخانه ای مانند دالوب که از چند کشور می گذرد، اگر قرار بود هر کشور بالادستی - مثل ده بالادست و پایین دست - همه زیادهایش را درون آن بریزد، چیزی از آن باقی نمانده بود. در حالی که کشورهای پیرامون دالوب مطابق یک قرار داد، رفتاری متعادلانه با آن را در پیش گرفته اند. حال اگر ما در داخل شهری قادر به سازماندهی و حفظ این منابع نباشیم بسیار فاجعه آمیز خواهد بود. بنابراین برای همه این عناصر طبیعی شاید مهم ترین نیاز آن باشد که شورای شهر و نمایندگان مردم و خود مردم آن شهر آنها را به عنوان میراث و گنجینه طبیعی شان بپذیرند. در این حالت خود و نسل آینده شان هوشیار خواهند شد تا برای حفاظت آنها بیشتر تلاش کنند.

□ به طور خاص اگر بخواهیم سیاست های اولویت داری را که مدیریت شهری باید در این زمینه اتخاذ کند تا کیفیت میراث های طبیعی ضمن حفظ آنها ارتقا نیز یابد، چه عناوینی به نظر تان مهم تر می نماید؟

○ باید هر چه سریع تر به این نوع از حفاظت، ارتقای کیفیت و بهره برداری خردمندانه و جبهه قانونی بدهند. یعنی برای این منظور باید قوانین پشتیبان تدوین گردد. اولین کار شوراها و شهرداری های شهرها این است که این مناطق یا عناصر یا محورها جزء مناطق ویژه میراث طبیعی شهر در اسناد حقوقی و شهرسازی تثبیت گردند. نیز هر چه سریع تر پیشنهاد شود که در این محدوده ها شرایط ویژه ای حاکم گردد و با توجه به مسائل طبیعی و محیطی خاص آنها، مورد طراحی و برنامه ریزی ویژه قرار گیرند. همچنین می بایست مردم و به خصوص نسل جوان از ورزش های طبیعی، اقتصادی و محیطی آنها آگاه شوند تا مردم خود حافظ میراث عمومی خویش باشند. تنها از این طریق امکان نجات سریع میراث طبیعی شهرها وجود خواهد داشت.

□ با سپاس از شما